

تحلیل محتوای کتاب‌های «عربی زبان قرآن» متوسطه دوم (عمومی)

بر اساس برنامه درسی و رویکرد ارتباطی آموزش زبان

نوع مقاله: پژوهشی

۱. مسعود فکری ۲. سعدالله همایونی، ۳. عبدالحسین فقهی، ۴. اعظم خواجه تاج یزدی*

۱. دانشیارگروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۴. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی پردیس البرز دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۴

چکیده

آموزش زبان دوم با توجه به ماهیت فرهنگی و ایدئولوژیک آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین اهداف خرد و راهبردهای آموزشی و فرهنگی هر زبان خارجی در چارچوب سیاست‌های کلی یک نظام آموزشی تعریف می‌گردد. با بررسی کتاب‌های «عربی زبان قرآن» در مقطع متوسطه دوم به نظر می‌رسد که این منابع نه با هدف آموزش زبان عربی با رویکردی کاربردی، بلکه با اهدافی خاص از قبیل فهم زبان قرآن، متون دینی و زبان فارسی تدوین شده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوا، کتاب‌های فوق را بر اساس ۷ شاخص اصلی و ۳۲ شاخص فرعی، در سطح واژه‌ها، متون، قواعد، تمرین‌ها، مهارت‌های زبانی و فرهنگ بررسی کرده و میزان انطباق آن‌ها را از یک‌سو با اهداف برنامه درسی و از سویی دیگر با معیارهای رویکرد ارتباطی ارزیابی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کتاب‌های نونگاشت عربی در مجموع ۴۵٪ شاخص‌ها را در حد خوب، ۳۹٪ را در حد متوسط و ۱۶٪ را ضعیف، پوشش داده است. این کتاب‌ها با تمرکز بر واژه‌های قرآنی، مفاهیم دینی - اخلاقی و فرهنگ اسلامی - ایرانی و با بهره‌گیری از ۱۹۰ آیه و ۱۲۰ حدیث در بیشتر متون، تمرین‌ها و تصاویر درصدد پوشش اهداف برنامه درسی است و به معیارهای ارتباطی مانند بافت‌مندی، تمرین‌های گروهی و آموزش هماهنگ مهارت‌های زبانی کمتر توجه نموده است.

کلید واژه‌ها: عربی زبان قرآن، تحلیل محتوا، برنامه‌ی درسی، رویکرد ارتباطی.

۱. مقدمه

کتاب درسی به عنوان یکی از منابع اثربخش آموزشی، به‌ویژه در آموزش زبان از اهمیت خاصی برخوردار است. از آنجا که کتاب، محور آموزش در ساختار آموزشی کشور است، لذا باید مطابق با اهداف تعیین شده و اصول علمی تألیف شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۶: ۱۴۳). محتوای درسی در آموزش زبان باید واضح باشد و ساختار آن نیز کامل باشد، تا فراگیر در مرحله دریافت و پایدارسازی اطلاعات دچار ابهام نشود (ملکی، ۱۳۹۴: ۴۷). سازماندهی محتوا باید به گونه‌ای باشد که بستر مناسبی را برای اجرای روش‌های فعال و کاربردی و بهبود فرآیند یاددهی - یادگیری، فراهم نماید. تحلیل محتوا یکی از راه‌های ارزیابی میزان انطباق کتاب با برنامه درسی و میزان به‌کارگیری اصول و معیارهای درست آموزشی در آنهاست. بدون مشخص کردن نقص‌های کتاب‌های درسی و راه‌های افزایش کیفیت آنها، کتاب‌های درسی بسیار کند دستخوش تغییر و تحول خواهند شد (میک، ۱۳۹۳: ۱۳).

کتاب‌های آموزش زبان در طول یک قرن گذشته و کتاب‌های درسی عربی در دهه‌های اخیر دستخوش تغییرات زیادی بوده‌اند. کتاب‌های نونگاشت عربی، با رویکرد فهم متون دینی و زبان فارسی و با تمرکز بر واژه‌های قرآنی و رایج در فارسی، کاهش قواعد و به‌کارگیری قواعد مؤثر در ترجمه، به دنبال آسان‌سازی، جذابیت و ایجاد نگرشی مثبت بوده‌اند. انتخاب این رویکرد، نباید ما را از توجه به کلیت زبان و آموزش مهارت‌های زبانی باز دارد؛ زیرا انتخاب محتوا با این رویکرد، به معنای پرداختن صرف به آیات کریمه قرآن، روایات وادعیه نیست. بلکه چه بسا با به‌کارگیری روش ارتباطی، مکالمه و تمرین‌های کاربردی، بهتر و سریع‌تر به هدف مورد نظر برسیم (میرحاجی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). از سویی در برنامه درسی ملی و برنامه درسی عربی بر تلفیق مهارت‌های چهارگانه زبانی تأکید شده است که از اصول نوین آموزشی و رویکرد ارتباطی است. مطرح کردن رویکرد ارتباطی در این تحقیق به معنای تجویز یک روش خاص برای آموزش نیست، بلکه تأکید بر تغییر نگرش نسبت به آموزش زبان و یادگیری آن است (همان، ۱۴۱). مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن واکاوی عناصر محتوا در کتاب‌های عربی عمومی پایه دهم تا دوازدهم به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

- کتاب‌های موردبحث تا چه اندازه در تحقق اهداف برنامه درسی، موفق بوده است؟

- رویکرد غالب در تألیف این کتاب‌ها کدام است و تا چه اندازه با اصول رویکرد ارتباطی، منطبق است؟

- براساس رویکرد ارتباطی، نقاط قوت و ضعف محتوای کتاب‌های مذکور چیست؟

۱-۱. پیشینه

بیشتر پژوهش‌های انجام شده به کتاب‌های دوره قبل یا متوسطه‌ی اول مربوط می‌شود. میرحاجی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد کتاب‌های عربی عمومی مقطع دبیرستان»، مراحل تهیه کتاب‌های درسی و عناصر برنامه درسی را تشریح کرده است. زارع و کارگر (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تمارین کتاب العربیة للصف العاشر والحادی عشر للمرحلة المتوسطة الثانية بالمدارس الإيرانية فی ضوء تصنیف بلوم للأهداف المعرفية»، به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر تمرین‌های کتاب‌های موردبحث در دو سطح فهم و کاربرد قرار دارد که در مقایسه با تحلیل و ترکیب و ارزیابی از سطوح پایین شناختی در طبقه بندی بلوم به شمار می‌روند. پراکندگی سطوح شناختی تمارین به شکل ناهمگن می‌باشد و این نشان می‌دهد که ترجمه عبارت‌ها و فهم متون مورد توجه نویسندگان بوده است. صفرنواده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و آسیب شناسی محتوای کتب درسی زبان انگلیسی دوره متوسطه و ارزیابی آن با معیار رویکرد آموزش ارتباطی زبان»، هدف از تألیف کتب درسی مربوطه را آموزش اجزا و عناصر زبان بر مبنای نظریه‌های ساختارگرا دانسته است. جلائی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های عربی متوسطه اول براساس نظریه نقش‌گرایی زبان»، بر این باور است که هر هفت نقش زبان هالیدی در این کتاب‌ها وجود دارد. نقش اطلاع رسانی و اکتشافی، بیشترین بسامد و نقش ابزاری و تخیلی کمترین بسامد را داشته، و با توجه به ضعف این کتاب‌ها در توزیع متعادل نقش‌های زبانی و نیز تمرکز بر ایجاد مهارت سؤال و جواب می‌توان گفت این کتاب‌ها نمی‌توانند در ایجاد توانش ارتباطی موفق عمل کنند.

۱-۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر با روش تحلیل کمی (تحلیل محتوا) و کیفی (تحلیلی)، محتوای سه کتاب عربی زبان قرآن (عمومی) متوسطه دوم ارزیابی شده است. این کتاب‌ها، در مجموع از ۱۹ درس، ۸۵۰ واژه جدید، ۱۸۰ تمرین در ۸۰۰ جمله و ۳۰۰ صفحه تشکیل شده است. تمامی

واژه‌ها، متون، قواعد و تمرین‌ها در هر سه کتاب به عنوان دامنه تحقیق بررسی شده‌اند. کتاب‌های "عربی زبان قرآن"، توسط دفتر تألیف کتب درسی، بر اساس برنامه درسی و اهداف آموزش عربی در مدارس تدوین شده‌اند. کتاب دهم از ۸ درس، ۳۶۰ واژه، ۸۵ تمرین و کتاب یازدهم از ۷ درس، ۳۰۰ واژه، ۶۰ تمرین و کتاب دوازدهم از ۴ درس، ۱۵۰ واژه و ۳۸ تمرین تشکیل شده‌است. رویکرد این کتاب‌ها پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری بجای قاعده محوری است (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۷). بخش‌های ۹ گانه آن عبارتست از: صفحه آغازین، متن درس، واژگان، درک مطلب، قواعد با عنوان "اعلموا"، مکالمه، تمرین، أنوار القرآن، البحث العلمی. قالب کلی تمرین‌ها از ۵ بخش واژه شناسی، ترجمه عبارات، قواعد، درک مطلب و پژوهش تشکیل شده و دفتر تمرین جداگانه ندارد. زمان پیشنهادی تدریس، یک جلسه در هفته (۹۰ دقیقه) است، و هر کتاب در یک سال تحصیلی و در طول ۲۶ هفته آموزش داده می‌شود. گروه سنی آموزان از حدود ۱۴ تا ۱۸ سالگی است.

ابزار پژوهش، فهرستی تلفیقی، مشتمل بر ۷ شاخص اصلی و ۳۲ شاخص فرعی است که از برنامه‌ی درسی، فهرست‌های موجود در تحلیل محتوای کتاب درسی و اصول رویکرد ارتباطی استخراج و روایی آن توسط ۳ متخصص تأیید شده است. همچنین این شاخص‌ها در پرسش‌نامه‌ای با ۳۲ گویه و با مقیاس سه درجه‌ای خوب، متوسط و ضعیف، توسط ۱۵ کارشناس ارزیابی و نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است. پایایی پرسش‌نامه نیز توسط یک متخصص آمار در نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید. آلفای کرونباخ کلی داده‌ها حدود ۷۵٪ تعیین شد که نشان دهنده پایایی مناسب پرسش‌نامه و پاسخ‌ها می‌باشد. ابتدا شاخص‌های اصلی به صورت فهرست آورده شده، سپس شاخص‌های فرعی مرتبط با هر شاخص اصلی تبیین شده و محتوای کتاب‌ها با ذکر نمونه در جدول‌های جداگانه، تحلیل شده است. در پایان مقاله پس از جمع بندی نتایج پرسش‌نامه، نتیجه تحقیق بیان شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. تحلیل محتوا (Content Analysis)

تحلیل محتوا یک روش پژوهشی منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتاب‌ها و متون درسی و مقایسه‌ی پیام‌ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی است (ملکی، ۱۳۹۴: ۲۳). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با ارزیابی میزان تطبیق اهداف با محتوا، یافتن نقاط قوت و ضعف کتاب‌های درسی، به دنبال بهبود محتوای موجود و ارائه شیوه درست طراحی کتاب‌های درسی است (میک، ۱۳۹۳: ۸۶).

۲-۲. برنامه درسی (Curriculum)

این برنامه سند پشتیبانی تولید کتاب درسی است و تعیین اهداف، رویکردها، اصول سازماندهی محتوا، مهارت‌های اساسی یادگیری، نگرش‌ها و ارزش‌ها، روش‌های آموزش، ارزشیابی، صلاحیت‌های معلم و فرایند برنامه‌ریزی درسی را نیز در برمی‌گیرد. موضوعات انتخاب شده در بخش متون، قواعد و تمرین‌ها، همگی با توجه به رویکرد برنامه تدوین می‌شوند. هر چه میزان انطباق آنها با این ملاک بیشتر باشد، انتخاب صحیح‌تر و دقیق‌تری صورت گرفته است (میرحاجی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

۲-۳. رویکرد ارتباطی (Communicative Approach)

رویکرد ارتباطی روش یادگیری فعال است که در آن مهارت‌های ذهنی از قبیل فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، تقویت می‌شود و کار گروهی در آن اهمیتی ویژه دارد. اصول روش فعال عبارتست از، ارتباط متن و موضوع با دانش پیشین زبان آموز، پرسش‌هایی که او را به تفکر و جستجوی در متن وادارد، حدس زدن، پیدا کردن نشانه‌های ارتباطی و رابطه‌ها در متن، شرح و دلیل خواستن از او، یافتن موضوع اصلی متن و اظهار نظر درباره پیام و نظر نویسنده (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵: ۹۲). در رویکرد ارتباطی ترجمه کردن، توضیح نکات گرامری با استفاده از روش قیاسی (deductive)، ارائه انبوهی از جملات و الگوهای دستوری، حفظ گفتگوها، تمرین پرسش و پاسخ، تمرین‌های جایگزینی (substitute drills) و شکل‌های هدایت شده صحبت کردن و نوشتن (controlled activities) مورد تأکید نیستند. از نظر ریچارد و راجرز سه اصل تئوری یادگیری در رویکرد ارتباطی عبارتند از: ۱- اصل ارتباط (communication principle): فعالیت‌های مبتنی بر ارتباط واقعی منجر به یادگیری بیشتر می‌شوند. ۲- اصل فعالیت (task principle): فعالیت‌های معنادار یادگیری را سریع‌تر، عمیق‌تر و پایدارتر می‌کند. ۳- اصل معناداری (meaningfulness principle): زبانی که برای یادگیرنده معنادار باشد، فرایند

یادگیری را تسهیل می‌کند (ریتشاردز، ۲۰۰۱: ۵۰-۶۰). کارشناسان به آموزش چهار مهارت اصلی زبان آموزی به عنوان یک هدف در کنار تقویت "توانش/ارتباطی" در این رویکرد، اشاره می‌کنند (طعیمه، ۲۰۰۴: ۱۶۰).

۲-۴. شاخص‌های اصلی و فرعی

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دارای معیارهای خاصی است و نکته مهم ارزیابی آنها بر اساس معیارهای خاص خود است (میرحاجی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). کارشناسان معیارهای بسیاری برای کتاب مطلوب معرفی می‌کنند. رشیدی (۱۳۸۸) بعد از معرفی فهرست کندلین و برین (Candin & Breen, 1979)، ریورز (Rivers, 1981)، اسکرسو (Skierso, 1991)، ولازار (Lazar, 1993)، فهرستی را پیشنهاد می‌کند که عبارتست از: (۱) شکل فنی (۲) اهداف (۳) موضوع (۴) روش تدریس (۵) تمرینات (۶) شکل ظاهری و کلی (۷) کتاب راهنمای معلم (رشیدی، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۳). در این جستار با توجه به معیارهای تحلیل محتوای کتاب درسی و اصول نوین آموزش زبان، ۷ شاخص اصلی و ۳۲ شاخص فرعی انتخاب شده است.

شاخص نخست: به کارگیری واژه‌های مناسب و کاربردی

شاخص دوم: به کارگیری متون مناسب و متنوع

شاخص سوم: ارائه فعالیت‌ها و تمرین‌های مناسب و مفید

شاخص چهارم: آموزش قواعد مناسب و کاربردی

شاخص پنجم: توجه به مهارت‌های چهارگانه زبانی

شاخص ششم: توجه به مؤلفه‌های فرهنگی

شاخص هفتم: معیارهای عمومی

۳. تبیین شاخص‌ها و ارزیابی محتوای کتاب‌ها

در این بخش پس از تبیین شاخصهای فرعی، محتوای کتابها بر اساس آنها ارزیابی شده است.

شاخص نخست: به کارگیری واژگان مناسب و کاربردی

با توجه به اینکه واژگان در کتاب‌های آموزش زبان، باید متناسب با اهداف مراحل مختلف آموزش باشند، ۴ شاخص فرعی زیر انتخاب شده‌اند:

۱- تناسب تعداد واژگان: در برنامه درسی به آموزش حداقل ۵۰۰ واژه جدید در هر پایه اشاره شده است (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۱۶). کارشناسان ۲۰-۲۵ کلمه در هر درس را برای بزرگسالان و ۱۰ کلمه را برای کودکان مناسب می‌دانند. (طعیمه، ۲۰۰۶: ۶۲۳). ارائه آسان به دشوار واژه‌ها در متن درس و تناسب تعداد آنها در هر درس و پایه مهم است. (ریتشاردز، ۲۰۰۱: ۶۱). ۲- بسامد واژگان قرآنی و رایج در فارسی: واژه‌های آشنا و مأنوس به تعامل بهتر فراگیر با متن آموزشی کمک می‌کنند. بر اساس برنامه درسی در انتخاب واژگان، توجه به پربسامد بودن آن در قرآن، متون معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی لازم است. همچنین واژگان مشترک دو زبان مانند "تعلیم" و "مشاهده"، جدید محسوب نمی‌شوند، ولی واژه‌هایی مانند "موظف" و "عامل" که تفاوت معنایی دارند، جدید هستند (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۲۱). ۳- بسامد واژه‌های عینی و انتزاعی: واژه‌های عینی آسان‌تر از واژه‌های ذهنی هستند و بهتر در ذهن زبان آموز می‌مانند (میک، ۱۳۹۴: ۱۸۵). ۴- تناسب واژه‌های معنایی و ارتباطی: این واژه‌ها در بافت و متن آمده، نشانه‌های عمومی، ضمنی یا بافتی دارند. و بر اساس موضوع بحث، نقش دستوری واژه‌ها، نقطه‌گذاری، تلفظ و اطلاعات موجود در اطراف کلمه، می‌توان حوزه معنایی واژه را حدس زد. مانند تقابل در رجل و امرأة، تضاد در لک و علیک، تشابه در لاعب و كرة القدم، اشتقاق در إشتري و شراء، جزء به کل و بالعکس در بستان، شجرة و فاکهه (مدکور، ۲۰۰۶: ۲۸۸)؛ (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۱: تحلیل واژه‌ها در کتاب عربی، زبان قرآن

شاخص	نمونه و تحلیل
تناسب تعداد واژه‌ها	آموزش ۸۵۰ واژه جدید در سه کتاب بیانگر پوشش ۶۵٪ از پیشنهاد برنامه است؛ تعداد واژه‌ها در متن درسها از ۱۰ تا ۳۰ در نوسان است. درس دوم کتاب دهم ۱۶ و درس پنجم ۴۲ واژه جدید دارد. تعداد محدودی از واژه‌ها در درسهای بعد تکرار می‌شوند، زیرا بیشتر واژه‌های هر درس، مرتبط با موضوع همان درس هستند و تکرار نشدن آنها در درسهای بعد، باعث انباشت واژه، فراموشی آنها و دشواری یادگیری می‌شود.
بسامد واژه‌های قرآنی و رایج در فارسی	از هر ۳۰ واژه جدید، در هر درس و هر پایه، ۶۰٪ آن واژگان قرآنی است، که مطلوب برنامه و خلاف اصول آموزش زبان دوم است. مانند "أخلص، تفرقوا، ورت، یتراحم، ضیاء، زان، ۳۰٪" آنها واژگان رایج در فارسی هستند، مانند: "نعمه، بالغ، در، شرر، یجری، یستغفر، یکفی" که به معنی فارسی آن نزدیک است.
بسامد واژه‌های عینی و انتزاعی	۵۰٪ واژه‌ها مانند "نجم- غیم- در- غصون" عینی و ۵۰٪ واژه‌ها مانند "یستطیع، ینبعث، تصدق، بحث، عن، أوجد، فضح" انتزاعی هستند. پرکاربرد بودن واژه‌های انتزاعی از دشواری آنها کم نمی‌کند. واژه‌های انتزاعی دهم بر خلاف اصل توالی بیشتر از دو پایه دیگر است.
تناسب واژه‌های معنایی و ارتباطی	کمتر از ۲۵٪ واژه‌ها، معنایی هستند، مانند "شجره، غصون، حبه، ثمره" در درس ۱ دهم؛ "ضوء، مضیئه، ظلام، إنارة" در درس ۳ و "جیوش، محاربة، حدید، نحاس، أشعل، ذاب" در درس ۶.

شاخص دوم: به‌کارگیری متون مناسب و متنوع

در تحلیل متون، شش شاخص فرعی تعیین شده است:

- ۱- تناسب تعداد متن‌ها و درس‌ها: که با زمان کلاس در طول هفته و سال تحصیلی در ارتباط است.
- ۲- ساختگی نبودن متن‌ها: یعنی به‌کارگیری متن و واژه بر اساس معنا باشد و متن‌ها، فقط بر اساس واژه‌ها ساخته نشود. در متون معنادار و اصیل، توالی و انسجام میان عناصر برقرار است و بیشتر در قالب داستان، شعر و گفتگو تنظیم شده یا روایتی درباره افراد و احساسات آنها است (میک، ۱۳۹۴: ۲۷۸-۲۹۵). ۳- تنوع موضوع و جذابیت در متن درس‌ها: متن‌های داستانی، ادبی، تاریخی، علمی با فعل‌های بیشتر، اسم کمتر و جمله‌های کوتاه، باعث ایجاد انگیزه و خوانش

پذیری بهتر متن می‌شوند. متن‌های پیچیده و انتزاعی با اسم‌ها و اصطلاحات علمی-فنی و واژه‌های تکراری، جذابیت کمتری دارند (همان، ۲۹۰). ۴- آموزش غیرمستقیم ارزش‌ها در متن: به‌کارگیری واژه‌های قرآنی و دینی در متن‌های داستانی، علمی، تاریخی یا اجتماعی بیانگر آموزش غیرمستقیم ارزش‌هاست (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۷). ۵- رعایت روال آسان به دشوار: دو علت اصلی دشواری متن‌ها، واژه‌های انتزاعی و ناآشنا در جمله‌های طولانی هستند. درس‌هایی که توصیفی-توضیحی بوده و از بندهای متعدد، جمله‌های فشرده و درهم تنیده تشکیل شده‌اند، دشوار شمرده شده و درک آنها برای دانش‌آموزان سخت است (میک، ۱۳۹۴: ۲۹۱). ۶- به‌کارگیری متون معنادار و ارتباطی: اهمیت معنا و بافت‌مندی از ویژگی‌های بارز رویکرد ارتباطی است. فعالیت‌های معنادار بر اساس بافت و متن معنادار تنظیم می‌شوند نه جمله‌های مجزا و پراکنده (طعیمه، ۲۰۰۶: ۱۹۸).

در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۲: تحلیل متون کتاب عربی، زبان قرآن

شاخص متون	نمونه و تحلیل
تناسب تعداد متن‌ها	تعداد درسها از دهم تا دوازدهم از ۸ درس به ۴ درس کاهش یافته است. کاهش تعداد درسها از ۳۲ درس در متوسطه اول به ۱۹ درس در متوسطه دوم، به‌ویژه در پایه‌ی دوازدهم، با توجه به زمان و سطح دانش‌آموز و مقطع تحصیلی، مغایر اصول آموزشی است.
ساختگی نبودن متنها	درسهایمانند "تعایش سلمی و آداب الکلام" تصنعی هستند؛ زیرا متن آموزشی آن، صرفاً بر اساس واژه‌ها تنظیم شده است. در برنامه درسی بر پرهیز از متون تصنعی تأکید شده است (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۸-۱۰). زیرا قالب شعر و داستان یا گفتگو طبیعی‌تر و باورپذیرتر است.
تنوع موضوع و جذابیت	در مجموع موضوع ۸ درس، دینی-تربیتی، ۴ درس علمی، و ۷ درس ادبی-فرهنگی است. تنوع موضوع در کتاب یازدهم کمتر است.
آموزش غیرمستقیم ارزشها	متن ۸ درس (۴۲٪) مانند، "المواعظ العددی، سورة الاخلاق وفي محضرالمعلم"، آموزش مستقیم و بقیه درسها در قالب شعر، گفتگو و داستان، آموزش غیر مستقیم است. بکارگیری ۱۹۰ آیه و ۱۲۰ حدیث در ۱۹ درس بیانگر آموزش مستقیم ارزشهای اخلاقی-تربیتی در سه کتاب است.

واژه‌های انتزاعی مانند "تصدّق، بحث عن، أوجد، فضح" باعث دشواری برخی متون شده است. درس ۲ و ۴ دهم، دشوارتر از درس ۶ است. متون کتاب دهم طولانی‌تر و با واژه‌های بیشتر است. بخشی از درس ۳ کتاب دهم، یک پاراگراف از ۷ خط و ۹ جمله پیاپی تشکیل شده است. و درس ۱ کتاب یازدهم، بندی در ۵ خط، دو آیه قرآنی دشوار و نسبتاً طولانی با ۱۸ واژه جدید دارد.	رعایت روال آسان به دشوار
۸ درس مانند، "ملمع حافظ و سعدی، آنه شیمیل، دلفین و فرزدق"، در قالب شعر، زندگی‌نامه و داستان است (۴۳٪). متون کتاب یازدهم بیشتر توضیحی و در قالب توصیه‌های اخلاقی است.	بکارگیری متون معنادار و ارتباطی

شاخص سوم: ارائه قواعد مناسب و کاربردی

۴ شاخص فرعی بخش قواعد عبارتند از:

- ۱- تناسب آموزش قواعد با برنامه درسی: حذف قواعد غیرضروری و آموزش قواعد کاربردی بر اساس نیاز دانش‌آموران مورد تأکید برنامه است. مراد از قواعد غیرکاربردی، قواعدی است که دانستن و یا ندانستن آن، تأثیری در دریافت معنای کلی ندارد (راهنمای معلم دوازدهم، ۱۳۹۷: ۸). ۲- آموزش غیرمستقیم قواعد: آموزش قواعد در متون و تمرین‌های متنوع و کاربردی بهتر از آموزش قیاسی است. ۳- به‌کارگیری قواعد در خدمت متن و ترجمه: تمرکز بر قواعد مؤثر در ترجمه، برخلاف نظر کارشناسانی است که بر آموزش قواعد مؤثر در مهارت‌های زبانی تأکید دارند (مدکور، ۲۰۱۰: ۲۴۹). ۴- آموزش فعال قواعد بر اساس نقش‌های ارتباطی: آموزش قواعد بر اساس نیاز در موقعیت‌های ارتباطی مانند درخواست، شرح و توضیح دادن، معرفی و توصیف کردن یا بر اساس تدرج حلقوی (حلزونی) است، یعنی بخش‌های مختلف یک مبحث به شکل دایره‌وار در درس‌های مختلف تکرار می‌شوند (محمدی رکعتی، ۱۳۹۵: ۱۰).

در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۳: تحلیل قواعد کتاب عربی زبان قرآن

شاخص	نمونه و تحلیل
تناسب آموزش قواعد با برنامه درسی	از حدود ۲۰ مبحث دستوری ۵۰٪ آن نحوی است. کاهش قواعد در مجموع، مثبت است ولی اختلاط مباحث صرفی- نحوی و عدم رعایت روال آسان به دشوار، در برخی مباحث، باعث ابهام بیشتر شده است، مانند مبحث "موصوف و صفت" و "مجرد و مزید" که در درس ۳ و ۴ دهم آمده و طبق نظر کارشناسان، در سطح ۳ (عالی) است و ارائه آن در درس یازدهم مناسب‌تر است (طعیمه، ۲۰۰۴: ۳۲۴ و ۱۱۵). یا اسلوب شرط که قبل از آموزش ادوات جزم، و بدون تناسب با درس قبل و بعد ارائه شده است. حذف مباحث مدنظر برنامه، مانند اسم موصول، مفعول فیه، اسلوب تعجب و حروف عطف پرکاربرد، در کتاب دوازدهم چشمگیر است.
آموزش غیر مستقیم قواعد	آموزش قواعد با روش مستقیم و قیاسی در بخش "إعلموا"، در جمله‌های مجزا است.
قواعد در خدمت متن و ترجمه	تمرکز کتاب بر شناخت قواعد مؤثر در ترجمه‌ی متون دینی است، نه ساخت آنها، مانند معنای فعل مجهول، لای نفی جنس و افعال ناقصه.
آموزش فعال قواعد	چند شاهد از قواعد در متن دروس گنجانده شده و یادآوری و تکرار آنها در تمرین‌ها و کتابهای بعدی ارائه شده است.

شاخص چهارم: ارائه فعالیت‌ها و تمرین‌های مناسب و مفید

۶ شاخص فرعی در تمرین‌ها عبارتند از:

- ۱- تناسب تعداد تمرین‌ها با موضوع درس: تعداد تمرین‌های بیشتر در یادآوری و تثبیت آموخته‌ها مؤثر است. بهتر است هر یک از انواع تمرین، بین ۳۰٪-۴۰٪ حجم کل تمرین‌ها باشد (الفوزان، ۲۰۰۹: ۱۷۴).
- ۲- تناسب تمرین‌های الگویی: این تمرین‌ها شکل و روش پاسخگویی واحدی دارد و هدف آن تثبیت الگوهای زبانی و پیروی از اصول نحو و آموزش ترکیبات است. چنانچه زبان‌آموز معنا را هم نفهمد، می‌تواند بر اساس الگوی مطرح شده در تمرین، به آن پاسخ بدهد (ریتشاردز، ۲۰۰۱: ۱۶۶).
- ۳- تنوع در شکل، عنوان و مضمون تمرین: نوع فعالیت‌ها و تمرین‌های کتاب به رویکرد کلی و نوع محتوای آن بستگی دارد (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۳۶).
- ۴- ارائه تمرین‌ها از ساده به پیچیده: بهتر است از تمرین‌های الگومدار، شروع و به تمرین‌های معنایی و ارتباطی ختم شود.
- ۵- تناسب تمرین‌های معنایی: تمرین‌های معنادار، محتوای زبانی را

به صورتی ارائه می‌کنند که زبان‌آموز، مشارکت فعال داشته باشد و در سطوح مختلف یادآوری، فهم، تطبیق، تحلیل، ترکیب و ارزیابی، آن را به کارگیرد (ریچاردز، ۱۳۹۶: ۱۶۸). مانند متن‌های کوتاه و چندجوابی، ساختن سؤال از متن بر اساس ساختار نحوی و معنایی، گفتگو (چه می‌گویید؟ چه می‌کنید؟) و بهتر است بیشتر از ۴۰٪ نباشد (محسنی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۲۰). ۶- **فراوانی تمرین‌های ارتباطی:** این تمرین‌ها زبان‌آموز را به ارائه اطلاعات جدید سوق می‌دهد، زیرا از خود و دنیای خاص خود، کارهای گذشته و آینده و تفکرات خویش سخن می‌گوید و مدرس نمی‌تواند جواب‌های زبان‌آموز را پیش‌بینی کند. مانند نمایش صحنه، مکالمه، تکلم با استفاده از تصویر (چه انجام می‌دهید؟)، توصیف تصویر (کدام‌یک را ترجیح می‌دهید؟)، خلاصه کردن گفتگو، تشکیل پاراگراف، ایفای نقش یا استفاده از بازی، تصاویر، جدول و نقاشی در تمرین‌های گروهی و بهتر است بیشتر از ۵۰٪ نباشد (همان، ۱۲۱).

در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۴: تحلیل تمرین‌های کتاب عربی زبان قرآن

شاخص	نمونه و تحلیل
تناسب تعداد تمرین‌ها	۸ تمرین در هر درس ارائه شده که ۵-۷ جمله دارد. میانگین هر درس حدود ۴۰ تمرین است. کاهش تعداد تمرین‌ها از دهم (۸۵ تمرین) به یازدهم (۵۹ تمرین) و دوازدهم (۳۸ تمرین) ضعیف است.
تناسب تمرین‌های الگویی	۸۰ تمرین الگویی (۴۵٪) مانند واژه شناسی، شناخت قواعد در تمرین‌های جای خالی، انتخاب گزینه صحیح و... دارد. تمام تمرین‌های کتاب دهم و یازدهم در جمله‌های مجزا ارائه شده است.
تنوع در شکل و عنوان تمرین	کتابها ۵ نوع تمرین در واژه شناسی، ترجمه، قواعد، "اِختِبر" و درک مطلب دارد. ۳۰٪ تمرین‌ها مانند مکالمه، پژوهش و تمرین‌های آیا می‌دانید، ضرب المثل و جدول، متنوع است.
ارائه تمرین‌ها از ساده به پیچیده	تمرین‌ها از درک مطلب ساده و واژه شناسی شروع و به ترجمه عبارات و تشخیص قواعد می‌رسد. در هر درس ۲-۳ تمرین به ترجمه عبارات و تشخیص قواعد و تعیین اعراب و زگان پرداخته است (۵۵٪).
تناسب تمرین‌های معنایی	۷۰٪ تمرین‌های دهم و یازدهم در حد شناخت و یادآوری واژه، قواعد و ترجمه عبارت‌هاست. ۳۰٪ تمرین‌ها مانند درک مطلب، تمرین با تصویر، ضرب المثل و جدول، معنایی است. تمرین‌های متنی، مکالمه و پژوهش در کتاب یازدهم و دوازدهم کم و حذف شده است.
تناسب تمرین‌های ارتباطی	تمام تمرین‌ها جز مکالمه، فردی است. ایفای نقش، بازی و کارگروهی ندارد. ۱۲ مکالمه و ۱۵ پژوهش در کتاب دهم و یازدهم (۱۵٪)، ارتباطی است. بیشتر تمرین‌ها با هدف تقویت قوه‌ی درک فهم ارائه شده است نه سطوح بالاتر.

شاخص پنجم: توجه به مهارت‌های چهارگانه زبانی

۶ شاخص فرعی این بخش عبارتند از:

- ۱- آموزش هماهنگ و متوازن مهارت‌های زبانی: نحوه انتقال مهارت‌های زبانی به زبان آموز، بحث اصلی تمامی نظریه‌ها در حوزه آموزش زبان است که در برنامه درسی و کتاب کمتر به آن توجه شده است. ۲- تناسب مطالب خواندنی: درک رابطه‌ی کلمات، دستیابی به معنا، تولید افکار و اطلاعات جدید و نه صرفاً آموزش واژه‌ها و قواعد، بسیار مهم است (مدکور، ۲۰۰۶: ۲۴۹). ۳- تناسب مطالب شنیدنی: از مراحل اولیه و ضروری است، مانند انتخاب کردن یا فعالیت‌های تشخیصی (distinguishing activities)، گوش دادن برای اطلاعات خاص (scanning)، خلاصه کردن (summarizing)، پاسخ دادن (answering)، پیش‌بینی کردن (predicting) (چستین، ۲۰۱۱: ۳۲۵). ۴- ارائه‌ی گفتگوی طبیعی: پرورش مهارت گفتگو که زبان‌آموز را ملزم به ساختن جملات کوتاه و هدایت شده و پاسخ دادن به سوال با توجه به تصویر می‌کند. ۵- ارائه‌ی تمرین برای تقویت مهارت نوشتن: از ابتدا باید برای آموزش نوشتن حروف و جمله‌سازی در مراحل بالاتر، تمرین‌های لازم اختصاص یابد (طعیمه، ۲۰۰۶: ۱۹۱). ۶- تنوع تمرین برای درک مطلب.

در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۵: تحلیل مهارت‌های زبانی در کتاب عربی زبان قرآن

شاخص	نمونه و تحلیل
آموزش هماهنگ مهارت‌ها	تأکید بر روان‌خوانی متن درس‌ها و شنیدن آنها از کتاب گویا و ترجمه متن است ولی مکالمه هدف نیست. بر اساس معیارهای سنجش مهارت‌های زبانی مانند یادداشت‌برداری، شرکت در بحث‌های دوطرفه یا گروهی، اظهارنظر، توضیح و تفسیر درباره‌ی یک مطلب، ترسیم نمودار، جدول و نقشه برای تلخیص مطالب، این کتاب‌ها برابر نیست.
تناسب مطالب خواندنی	فقط متن درس‌ها و تمرین‌ها و ۲ مطلب در کتاب یازدهم دارد.
تناسب مطالب شنیدنی	فقط در حد شنیدن متن درس‌ها، لغت‌ها و مکالمه از کتاب گویا که صوتی است.
تناسب مطالب گفتگو	کتاب دهم ۸ مکالمه، یازدهم ۴ مکالمه و دوازدهم، مکالمه ندارد. ارائه‌ی تدریجی مکالمه‌ها از آسان به دشوار و کوتاه به طولانی‌تر در پایه‌های بالاتر رعایت نشده است.

تناسب تمرین نوشتن	فقط در حد نوشتن پاسخ تمرین‌ها، و ارجاع به وجوه تمایز و اختلافات املائی فارسی-عربی، مانند «آیه و آیت» رعایت شده است و کتاب در این زمینه چندان غنی نیست و کمتر دبیری به مسائل املائی توجه دارد (راهنمای معلم دوازدهم، ۱۳۹۷: ۶).
تنوع تمرین برای درک مطلب	در مجموع ۱۹ درک مطلب دارد، ۸ پاسخ کوتاه، ۶ صحیح و غلط، ۲ جای خالی و ترجمه متن درس‌ها و تمرین‌ها.

شاخص ششم: توجه به مؤلفه‌های فرهنگی

۳ شاخص فرعی این مؤلفه عبارتست از:

۱- **تناسب محتوای فرهنگی:** زبان قوی‌ترین ابزار انتقال فرهنگ میان ملت‌هاست. آداب و رسوم، موسیقی، ادبیات، امثال و حکم، قالب‌های مناسبی برای آموزش و انتقال فرهنگ هستند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۷۷).
 ۲- **تناسب با نیاز مخاطب و زندگی روزمره:** محتوای آموزش بر اساس هدف و رویکرد آموزش، خاص یا عام بودن، انتقال ارزش‌های دینی، دانش تجاری یا کاربردی، برای نوجوانان در مدرسه با بزرگسالان در حوزه متفاوت است. متن‌های آموزشی با آیات و روایات زیاد برای حوزه و قصه‌های جذاب برای دانش‌آموزان مناسب است. ۳- **توجه به فرهنگ در تصاویر:** این مسئله، علاوه بر جذابیت، باعث انتقال مؤثر و نامحسوس مفاهیم می‌شود.

در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۶: تحلیل فرهنگ در کتاب عربی زبان قرآن

شاخص	نمونه و تحلیل
تناسب محتوای فرهنگی	۶۰٪ متون درباره‌ی فرهنگ اسلامی و ۳۵٪ ادبیات ایرانی-عربی است؛ مانند شعر "رضایی و فرزندق"، ۲ بیت از احمد شوقی، ملمع حافظ و سعدی، معرفی مدائن و سلمان فارسی، ۱۲ ضرب‌المثل. توجه به فرهنگ دینی و توصیه‌های اخلاقی بیشتر از موضوعات فرهنگی مانند مراسم، سنت‌ها، مناسک و پوشاک است.
تناسب محتوا با سن و نیاز مخاطب و زندگی روزمره	۱۲ مکالمه در کتاب دهم و یازدهم با موضوع فرودگاه، گذرنامه، سالن بازرسی، تاکسی، شهر زیارتی، مخابرات، هتل، بازار، ورزشگاه، داروخانه و مطب است. ۱۹۰ آیه و ۱۲۰ حدیث که ۹۰٪ آنها درباره‌ی اخلاق، دینداری، زیارت، آداب کلاس و سخن، دروغ‌گویی و ۱۰٪ درباره‌ی آفرینش است. دروس ۱، ۳، ۵ دهم؛ درس ۳ و ۶ یازدهم و درس ۳ و ۴ دوازدهم که موضوع علمی-فرهنگی دارد و با آیات و احادیث کمتر به آموزش غیر مستقیم پرداخته‌اند، مطابقت بیشتری با شاخص‌ها دارند.
توجه به فرهنگ در تصاویر	۵۰٪ تصاویر به فرهنگ اسلامی زیارت و اماکن مقدس مربوط است و ۵۰٪ دیگر علمی است. پشت جلد سه کتاب عکسی از "سیبویه"، "عقاد" و "مدائن" است.

شاخص هفتم: معیارهای عمومی

۴ شاخص فرعی این معیار بیشتر به ارزشیابی شکل ظاهری کتاب و لوازم جانبی آن مربوط است:

- ۱- تناسب عنوان کتاب: مسئله محوری، ایجاز، وضوح و جامعیت از معیارهای عنوان کتاب درسی است.
 - ۲- تناسب طرح روی جلد کتاب: که باید انعکاسی از محتوا و رویکرد باشد و دارای تصاویر، رنگ‌های جذاب و مرتبط با محتوا و سن مخاطب باشد.
 - ۳- به کارگیری وسایل کمک آموزشی: وسایل کمک آموزشی نظیر فیلم، ویدئو، کتاب گویا، سایت و CD، در ایجاد انگیزه و تنوع بخشی آموزش زبان دوم نقش مهمی دارند.
 - ۴- تناسب رنگ‌ها و وضوح تصاویر: کتاب درسی زبان برای انتقال بهتر معنای کلمات و متون باید حاوی عکس‌ها و تصاویر مناسب، با رنگ‌های طبیعی، زنده، جذاب و مرتبط با موضوع درس و در اندازه مناسب باشد.
- در جدول زیر نمونه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق از کتاب‌ها، استخراج و تحلیل شده است.

جدول ۷: تحلیل معیارهای عمومی در کتاب عربی زبان قرآن

شاخص	نمونه و تحلیل
تناسب عنوان کتاب	عنوان کتاب‌ها نشانگر رویکرد برنامه درسی است ولی به نظر کارشناسان، بیانگر تداخل اهداف درس عربی با درس قرآن و دینی است.
تناسب طرح روی جلد	طرح روی جلد کتاب دهم تلفیقی از شش تصویر است که فقط به موضوع ۴ درس مرتبط است و نشانه‌ای از بقیه‌ی دروس در آن نیست. تصویر جلد کتاب یازدهم، فقط به موضوع درس اول آن مربوط می‌شود و در آن نمادی از محتوای کل کتاب وجود ندارد. در مجموع، تصویرها به عنوان یکی از عوامل انتقال مفهوم و ایجاد انگیزه، در حد متوسط است.
به کارگیری وسایل کمک آموزشی	کتاب گویا و فیلم برخی از درسها در سایت دفتر تألیف بارگزاری شده است ولی CD مخصوص ندارد.
تناسب رنگ‌ها و وضوح تصاویر	تعداد تصاویر، مناسب است ولی همه واضح، گویا، جذاب و با رنگ بندی مناسب نیست.

نتایج نظرسنجی و ارزیابی شاخص‌ها توسط ۱۵ کارشناس از کتاب‌های عربی، در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۸): فراوانی و درصد شاخص‌ها در کتاب‌های عربی زبان قرآن

نام شاخص	ضعیف	درصد	متوسط	درصد	خوب	درصد	مجموع
بکارگیری واژه‌های مناسب	۲	٪۳	۱۹	٪۳۲	۳۹	٪۶۵	۶۰
بکارگیری متون متنوع	۷	٪۸	۳۲	٪۳۶	۵۱	٪۵۶	۹۰
قواعد مناسب و کاربردی	۱۷	٪۲۸	۲۲	٪۳۷	۲۱	٪۳۵	۶۰
ارائه تمرین‌های مناسب	۱۸	٪۲۰	۳۶	٪۴۰	۳۶	٪۴۰	۹۰
توجه به مهارت‌های زبانی	۲۱	٪۲۳	۴۲	٪۴۷	۲۷	٪۳۰	۹۰
توجه به مؤلفه‌های فرهنگی	۵	٪۱۱	۱۹	٪۴۲	۲۱	٪۴۷	۴۵
معیارهای عمومی	۹	٪۱۵	۲۳	٪۳۸	۲۸	٪۴۷	۶۰
مجموع و درصد	۷۵	٪۱۶	۱۸۷	٪۳۹	۲۱۸	٪۴۵	۴۸۰

با توجه به جدول فوق، شاخص واژگان با کسب ٪۶۵ بالاترین میزان تناسب با اهداف را دارد. که علت آن به کارگیری واژه‌های پرکاربرد قرآنی و مشتقات رایج در فارسی و تناسب نسبی تعداد واژه‌های عینی، انتزاعی و معنایی است. شاخص متون نیز با کسب ٪۵۶ رضایت بخش است، که علت آن رعایت تنوع در موضوع متن‌ها و بهره‌گیری از متون معنادار داستانی و نمونه‌هایی از نظم و نثر بزرگان ادب فارسی و عربی است. شاخص فرهنگ با ٪۴۷ متوسط ارزیابی شده است. عنوان و محتوای کتاب‌ها بیانگر آموزش زبان عربی با رویکرد فرهنگ اسلامی-ایرانی است و شواهد آن در تعداد آیات و احادیث، واژه‌ها، تصاویر و بومی‌سازی قواعد مشهود است. ولی محدود کردن دامنه اهداف به چند آموزه و تکرار مرتب آنها در همه بخش‌های کتاب و در عبارات مختلف، می‌تواند نتیجه عکس داشته و باعث عدم انتقال درست محتوا به دانش‌آموزان شود (متقی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی جدید و تصاویر مناسب با رنگ‌های جذاب در طرح روی جلد و داخل کتاب از دلایل ضعف در معیارهای عمومی است. شاخص تمرین‌ها با ٪۴۰ پایین‌تر از حد انتظار است. ایجاد تنوع در تمرین‌های ترجمه، افزایش تمرین‌های متنی، کاربردی و گروهی، باعث جذابیت و تقویت این بخش می‌شود. با وجود کاهش چشمگیر قواعد، کسب نسبت ٪۳۵ در این شاخص، نشانگر موفقیت کمتر کتاب‌ها در این زمینه است که علت آن، آموزش مستقیم در جمله‌های مجزا بجای آموزش فعال و اکتشافی در متن‌های متنوع و عدم رعایت روال آسان به دشوار در برخی موارد است. بیشترین ضعف در شاخص مهارت‌های زبانی با ٪۳۰ مشاهده می‌شود که علت آن، تمرکز بر روان‌خوانی و ترجمه عبارات،

بجای آموزش هماهنگ مهارت‌های زبانی از طریق درک مطلب‌های متنوع است. ارائه نشدن محتوای طبیعی و مناسب زندگی روزمره در تمرین‌های گروهی و ایفای نقش نیز از دلایل دیگر این کاستی است.



۴. نتیجه

در این پژوهش بر اساس ۷ شاخص اصلی و ۳۲ شاخص فرعی، محتوای کتاب‌های "عربی زبان قرآن" متوسطه دوم، باهدف پاسخگویی به سؤال‌ها ارزیابی شد. در پاسخ به سؤال نخست، براساس یافته‌های تحقیق، کتاب‌ها ۴۵٪ شاخص‌ها را به خوبی پوشش داده‌اند. پایبندی به رویکرد و اهداف برنامه درسی با به‌کارگیری بیش از ۱۹۰ آیه، ۱۲۰ حدیث و تمرکز بر مفاهیم دینی - اخلاقی در بیش از ۶۰٪ واژه‌ها، متن‌ها، تمرین‌ها و ۵۰٪ تصاویر، مشاهده می‌شود.

در پاسخ به سؤال دوم، تمرکز کتاب‌ها بر واژه‌ها و ترجمه عبارات در تمرین‌های الگویی، بیانگر استمرار روش‌های سنتی در آموزش ساختار و دانش زبانی است. علی‌رغم تأکید برنامه درسی ملی و راهنمای برنامه درس عربی، در به‌کارگیری اصول نوین آموزشی، به معیارهای ارتباطی مانند بافت‌مندی، تمرین‌های گروهی و آموزش مهارت‌های زبانی در بافتی فرهنگی کمتر توجه شده است.

در پاسخ به سؤال سوم، نویسندگان با حذف قواعد جزئی، تنوع نسبی در متون و تمرین‌ها و گنجاندن مکالمه، گام مثبتی را در پوشش برنامه درسی و تلفیق اهداف آن با رویکردهای نوین

آموزش زبان برداشته‌اند. تسهیل و جذابیت دو امر مهم در آموزش زبان است که تا حدودی رعایت شده است. ولی تلاش برای پایداری به برنامه درسی، باعث کم‌توجهی به معیارهای آموزش زبان دوم شده است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مشکل این کتاب‌ها، رعایت نکردن روال آسان به دشوار (توالی) است. زیرا تناسب تعداد دروس و چینش مواد آموزشی در کتاب‌ها به خوبی رعایت نشده است. حجم، تنوع و دشواری محتوای دهم و کاهش تعداد درس‌ها، واژه‌ها، تمرین‌ها، پژوهش و حذف مکالمه و "انوار القرآن" در کتاب دوازدهم، گواهی بر این موضوع است. به نظر کارشناسانی که شاخص‌های موردنظر این تحقیق را ارزیابی نموده‌اند، فهم متون دینی با روش‌های نوین و رویکرد فرهنگی - زبانی، موثرتر از آموزش مستقیم است. با بهره‌گیری از اصول نوین آموزش زبان که از ویژگی‌های بارز آن یکپارچگی، بافت‌مندی (متن محوری)، معناداری، روش فعال و کارگروهی با محوریت فرهنگ است، بهتر از شیوه‌های سنتی می‌توان به اهداف برنامه رسید. نتایج این تحقیق با نتایج به دست آمده از زارع و کارگر (۲۰۱۹) و صفرنواده (۱۳۸۹) و جلالی (۱۳۹۸) همسو است. توجه بیشتر به داستان‌های کوتاه و جذاب قرآنی و تاریخی، ارائه تمرین‌های گروهی و متنی، مشورت با کارشناسان فعال در آموزش زبان عربی و بهره‌گیری از تجربه‌های موفق کشورهایمانند ترکیه و اندونزی پیشنهاد این پژوهش است.

۵. منابع

أ) الكتب

- ریتشاردز، جک سی (۲۰۰۱): *تطوير مناهج تعليم اللغة*، مترجم: ناصر بن عبدالله بن غالی و صالح بن ناصر الشویخ، نسخة الكترونية.
- طعیمه، رشدی أحمد و محمود کامل الناقه (۲۰۰۶م): *تعليم اللغة اتصالياً بين المناهج و الإستراتيجيات*، الرباط، المنظمة الإسلامية للتربية و العلوم والثقافة، إيسيكو.
- طعیمه، رشدی أحمد (۲۰۰۴م): *المهارات اللغوية مستوياتها، تدريسها، صعوباتها*، القاهرة، دار الفكر العربي.
- الفوزان، عبدالرحمن بن ابراهيم (۲۰۰۹م): *كن متخصصاً، إضاءات لرفع كفاءه معلمي اللغة العربية لغير الناطقين بها*، الرياض، سلسلة العربية للجميع.
- مدكو، علي أحمد (۲۰۱۰م): *طرق تدريس اللغة العربية*، ط ۲، عمان، دار الميسرة للطبع و النشر.
- مدكور، علي أحمد و إيمان أحمد هريدي (۲۰۰۶): *تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها، النظرية والتطبيق*، القاهرة، دار الفكر العربي.

ب) فارسی

چستین، کنت (۲۰۱۱): گسترش مهارت‌های آموزش زبان دوم (تئوری و عملی)، ترجمه: محمود نورمحمدی، تهران، رهنما.

ریچاردز، جک سی، و راجرز، تئودور (۱۳۹۶): رویکردها و روش‌ها در آموزش زبان، ترجمه: علی بهرامی، ویراست سوم، تهران، رهنما.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۹۷): راهنمای معلم عربی، زبان قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱): برنامه درسی ملی، نگاشت چهارم، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب راهنمای درسی.

ضیاء حسینی، محمد (۱۳۸۵): روش تدریس زبان دوم، تهران، رهنما.

عباچی، اباذر و همکاران (۱۳۹۷): عربی زبان قرآن پایه دهم مشترک (عمومی)، تهران، دفتر تألیف کتابهای درسی.

----- (۱۳۹۷): عربی زبان قرآن پایه یازدهم مشترک (عمومی)، تهران، دفتر تألیف کتابهای درسی.

----- (۱۳۹۷): عربی زبان قرآن پایه دوازدهم مشترک (عمومی)، تهران، دفتر تألیف کتابهای درسی.

گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی درسی (۱۳۹۱): راهنمای برنامه درسی آموزش زبان عربی دوره متوسطه نظری، نگاشت هشتم.

ملکی، حسن (۱۳۹۴): برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد، انتشارات پیام اندیشه.

میک، یان (۱۳۹۳): پژوهش و نگارش کتاب درسی، ترجمه: شهروز مرادزاده، تهران، سمت.

یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۴): تحلیل محتوای برنامه و کتاب درسی، گروه آموزش راهنمایی تحصیلی دفتر آموزش عمومی آموزش و پرورش.

ج) مجلات

جلائی، مریم و همکاران (۱۳۹۸): «تحلیل محتوای کتابهای عربی متوسطه اول براساس نظریه نقشگرایی زبان»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، دوره ۱۵، ش ۵۱، صص ۱-۲۴.

رشیدی، ناصر (۱۳۸۸): «چهارچوبی جامع برای ارزیابی کتب درسی دانشگاهی»، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۴، ش ۲، صص ۲۱-۳۶.

زارع، ساجد و علی اصغر کارگر (۲۰۱۹): «تحلیل تمارین کتاب العربية للصف العاشر والحادی عشر للمرحلة المتوسطة الثانية بالمدارس الإيرانية فی ضوء تصنيف بلوم للأهداف المعرفية»، *مجله دراسات في تعليم اللغة العربية وتعلمها*، العدد ۵، صص ۱۱-۲۶.

صفرنوده، خدیجه و همکاران (۱۳۸۹): «تحلیل و آسیب شناسی محتوای کتب درسی زبان انگلیسی دوره متوسطه و ارزیابی آن با معیار رویکرد آموزش ارتباطی زبان»، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ش ۱۷، صص ۸۶-۱۱۴.

متقی زاده، عیسی و همکاران (۱۳۹۳): «نگاهی به کتاب عربی اول دبیرستان بر اساس الگوها و ملاکهای تحلیل و سازمان دهی محتوا»، *جستارهای زبانی*، د ۵، ش ۲، صص ۲۳۷-۲۶۰.

محسنی نژاد، سهیلا (۱۳۹۷): «أسس ومعايير إعداد كتب تعليم اللغة العربية للناطقين بغيرها»، *پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی*، ش ۶۳، صص ۱۰۹-۱۳۷.

محمدی رکعتی، دانش (۱۳۹۵): «مبانی رویکردی در تألیف کتاب دانشگاهی مکالمه زبان عربی بر اساس اصول آموزش زبان خارجی»، *پژوهش و نگارش کتب درسی*، ش ۳۸، صص ۲۶-۴۷.

میرحاجی، حمیدرضا (۱۳۸۹): «بررسی و نقد کتاب های عربی مقطع دبیرستان (عمومی)»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش ۱، صص ۱۴۱-۱۶۹.

تحليل محتوى كتب "اللغة العربية، لغة القرآن" للمرحلة الثانوية (العامة)

في ضوء البرنامج الدراسي و المنهج التواصلی لتعليم اللغة

نوع المقالة: أصيلة

١. مسعود فكري ٢. سعدالله همايوني ٣. عبدالحسين فقهي ٤. اعظم خواجه تاج يزدی*

١. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة طهران

٢. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة طهران

٣. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة طهران

٤. طالبة دكتوراه في اللغة العربية و آدابها كلية البرز بجامعة طهران

الملخص

إنّ لتعليم اللغة الثانية، أهمية خاصة، وذلك بسبب سماته الثقافية والإيديولوجية. بالإضافة إلى تبينه الأهداف الجزئية والإستراتيجيات التعليمية والثقافية في إطار الإستراتيجيات العامة للنظام التعليمي. يبدو من خلال تحليل كتب "اللغة العربية، لغة القرآن" في المدارس الثانوية، أنّ هذه المصادر، لم تدوّن لهدف تعليم اللغة العربية وظيفياً، بل دوّنت لأغراض ثانوية ومعينة، فمنها فهم لغة القرآن، والنصوص الدينية، واللغة الفارسية. واعتمد منهج البحث على تحليل محتوى الكتب المذكورة، وفقاً لسبعة معايير رئيسية و ٣٧ معياراً فرعياً على مستوى المفردات، والنصوص، والقواعد، والتمارين، والمهارات اللغوية والثقافة. ويعالج مدى انطباقها مع أهداف البرنامج الدراسي من ناحية ومعايير المنهج الاتصالي من الناحية الأخرى. وأظهرت نتائج الدراسة أنّ محتوى الكتب العربية الجديدة، بلغت المستوى الجيد في ٤٩٪ من المعايير و ٣٦٪ المستوى المتوسط و ١٥٪ المستوى الضعيف. وبناء على هذه الإحصائية فتهدف هذه الكتب إلى تحقيق أهداف البرنامج الدراسي، بالتركيز على المفردات القرآنية، والمفاهيم الدينية - الأخلاقية والثقافة الإسلامية - الإيرانية وباستخدام ١٩٠ آية و ١٢٠ حديثاً في معظم النصوص والتدريبات والصور. و لم تهتم كثيراً بمعايير المنهج التواصلی مثل الجدولة والتمارين الجماعية والتّصية وتنسيق المهارات اللغوية.

الكلمات الرئيسية: اللغة العربية لغة القرآن، البرنامج الدراسي، تحليل المحتوى، المنهج التواصلی.

Secondary School Textbook content analysis_ "Arabic, Quran,s language" (general), According to Curriculum and communication approach

Article Type: Research

Masuod Fekri¹, Sadolah Homayooni², Abdol hosien fegghi³, Azam khaje taj yazdi^{4*}

- 1- Associate Professor in Arabic Language and Literature, tehran University
- 2- Assistant Professor in Arabic Language and Literature, tehran University
- 3- Associate Professor in Arabic Language and Literature, tehran University
- 4- PhD student in Arabic language and literature, Yazd University

Abstract

Teaching a second language is an important issue due to its cultural and ideological nature. Within general policy framework of any educational system micro-goals and cultural- educational strategies of any foreign language are defined. Looking through Secondary school text book of "Arabic Quran, language ", it seems they have not been compiled aiming at teaching Arabic Language with a practical approach. In fact, it seems as if they were compiled with specific purposes of understanding the language of the Quran, religious texts and Persian language. In this research, the mentioned text books are evaluated using content analysis method, based on 7 main indicators and 32 subindicators, at the level of words, texts, grammar, exercises, language skills and culture & evaluate the amount conformity of these books with the objectives of the curriculum and the criteria of the communication approach. The results shows the new edition Arabic text book covers 45% of the indicators in the desired level, 39% in the average level and 16% in the low level. The writers try to cover the objectives of the curriculum, by focusing on Quranic words, religious-moral concepts, Islamic-Iranian culture, by using 190 verses and 120 hadiths in most texts, exercises and illustrations & less attention to communication criteria such as text based, team exercise, and coordinated training of language skills.

Keywords: Arabic Quran,s Language, content analysis, Curriculum, omunication Approach.